

## دل تاریکی:



این رمان در سال ۱۸۹۹ توسط مجله‌ی معروف «بلاک‌وود» در ۳ سری به سبک داستان در داستان به زبان انگلیسی منتشر شد. ملوانی به نام «مارلو»، از کودکی مجذوب رود بزرگی است که در منطقه‌ای ناشناخته در آفریقای شرقی است. سال‌ها بعد، شرکتی که مامور کاوش در آن منطقه است، فرماندهی یک کشتی مخصوص حمل عاج را به عهده‌ی او می‌سپارد. بعد از سختی‌های فراوان، او به شرکت می‌رسد در حالی که همه چیز را به هم ریخته می‌یابد. سکوت مرموزی بر بومیان ساکن آنجا حاکم است. مارلو به جست‌وجوی نماینده‌ی شرکت، آقای کورتس می‌پردازد اما خبری از او در دسترس نیست... این رمان در سال ۱۳۸۹ با ترجمه‌ی «صالح حسینی» توسط نشر نیلوفر به چاپ رسید.

## لرد جیم:



این کتاب در ژانر رمان‌های سایکولوژیک است که اولین بار از اکتبر سال ۱۸۹۹ تا نوامبر سال ۱۹۰۰ به صورت سریالی در نشریه‌ی «بلاک‌وود» منتشر شد. در رتبه‌بندی انجام‌شده توسط modern library در سال ۱۹۸۸ این کتاب بین صدرمان برجسته‌ی ان‌گلیسی رتبه‌ی هشتاد و پنجم را به خود اختصاص داد. پسری به نام «جیم»، به امید زندگی پرماجرا، به فکر می‌افتد که ملوان شود. روزی به عنوان دستیار، سوار کشتی کهنه‌ای می‌شود که زانران را حمل می‌کند. طوفان در می‌گیرد و نزدیک است که کشتی غرق شود. «جیم» تسلیم شده و کشتی را رها کرده و با سه نفر دیگر سوار بر قایق می‌شود و اما کشتی به طرز معجزه‌آسایی نجات می‌یابد... این رمان در سال ۱۳۶۲ با ترجمه‌ی «صالح حسینی» و به ویراستاری زنده‌یاد «هوشنگ گلشیری» توسط انتشارات نیلوفر منتشر شده است.

## نوسترومو:



این رمان در سال ۱۹۰۴ با نام انگلیسی «Nostromo» نوشته و منتشر شد. بسیاری از منتقدان بر این باورند که رمان «نوسترومو» در میان کارهای «کنراد» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، زیرا او در این کار موفق به خلق شخصیتی می‌شود که نسبت به دیگر آثار او مثال‌زدنی است، کاری فوق‌العاده تصویری که نگاه فیلمسازی چون «بویو لیچ» را برای ساخت فیلمی بر اساس آن به خود جلب می‌کند که البته این فیلم هیچگاه به دلیل مرگ ناگهنگ کارگردان ساخته نمی‌شود. ماجرای این رمان در شهر معدنی «ناترا» در جنوب رفتند. در حالی که آمده است که «نوسترومو» در حقیقت بررسی عمیق و نیز ظریف تأثیرات فاسدکننده‌ی سیاست و منافع مادی بر روابط انسان‌هاست. شخصیت‌های رمان نوسترومو، هر یک صاحب تاریخی مجزا و منحصر به فرد هستند. این کتاب در سال ۱۳۸۹ با ترجمه‌ی «سپهر سمنی» در ۵۱۹ صفحه توسط نشر ققنوس منتشر شد.

## فریای هفت جزیره:



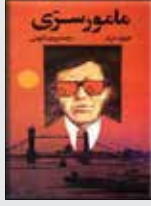
این رمان، عاشقانه‌ای کلاسیک است که «کنراد» در سال‌های شکوفایی و شهرتش یعنی در سال ۱۹۱۱ آن را نوشته، اما برخلاف بیشتر رمان‌هایش که دنیایی مردانه‌ی عزت‌گرا دارند، قهرمان این داستان، همانطور که از نامش پیداست، دختری به نام «فریا» و در واقع روایت عشق مشترک او و دلدادهاش به کشتی‌ای به نام «بونیتو» است. «کنراد» این داستان را با الهام از ماجرای واقعی که ملوانی مالزیایی برایش تعریف کرده، نوشته است. داستان در باره‌ی خصومت و جنگ‌پنهان توتاجرو در یلار هلندی و فلکیلی در جزیره‌های مستعمره‌ی اقیانوس هند بر سر «فریا» است. این کتاب به تازگی با ترجمه‌ی «فرزانه دوستی» توسط نشر «هنگار» منتشر شده است.

## کاکاسیاه کشتی نار سینوس:



«کنراد» در این رمان، جمعی از جاشویان و فرماندهان شان را در معرض شوم‌ترین پدیده‌ی دریایی که طولانی و بسیار قدرتمند است، قرار می‌دهد و واکنش‌های آن را تحلیل می‌کند. کمتر رمانی است که در آن چنین بخش قابل توجهی به حوادث طبیعی و واکنش‌های جسورانه و قهرمانانه‌ی شخصیت‌ها اختصاص یافته باشد. اما این رمان به هیچ وجه رمان حادثه‌ای نیست و در آن از طوفان و آشفتنگی دریا فقط به عنوان پیش‌زمینه‌ی درک شخصیت انسان و تحلیل مضامین اخلاقی و انسانی بهره گرفته شده است. این کتاب در سال ۱۳۹۱ با ترجمه‌ی «سپهر سمنی» توسط انتشارات ققنوس منتشر شد.

## مامور سرتی:



آقای «ورلاک» که با مادامان بیرون می‌رفت، دکان خود را به برادر زنش می‌سپرد. این کار شدنی بود چرا که در هر موقع روز چندان داد و ستدی نمی‌شد. آقای «ورلاک» زیاد در قیدوبند دادوستد نبود. مغازه‌ی کوچک و همچنان منزل. این یکی از آن خانه‌های آجری دوده گرفته بود که پیش از دوران پدید آمدن نوسازی در لندن فراوان بود... این کتاب در سال ۱۳۶۶ با ترجمه‌ی پرویز داریوش توسط انتشارات بزرگمهر منتشر شد.

## تجربه‌های ۶۷ ساله‌ی «نویسنده‌ی دریاها»

«جوزف کنراد» نویسنده‌ی نام‌آشنای لهستانی است که آثار زیادی از او به فارسی ترجمه شده است. «نویسنده‌ی دریاها» لقبی است که «تیوپوک تایمز» در سالروز مرگش، او را با این نام خطاب کرد. این لقب کاملاً با آثاری که «کنراد» از خود به جای گذاشته، همخوانی دارد زیرا که داستان‌های او عموماً بر فراز دریاها می‌گذرد و ناخداها و دریانوردان مرموز؛ شخصیت‌های اصلی رمان‌های او هستند. خالی از لطف نیست که با آثاری از این نویسنده که به فارسی ترجمه شده، بیشتر آشنا شوید.

## جوزف کنراد

با «فریای هفت جزیره»

دوباره در ایران

گل کرده است

# وطن پرستی واقعی بانامی بیگانه



دیپاسرالدینی

«جوزف کنراد» در سال ۱۸۵۷ در یادولینای اوکراین به دنیا آمد. پدر و مادر او هر دو کاتولیک و جزو طبقه‌ی اشرافی «سلاچتا» بودند. پدر او، نویسنده و مسلط به چند زبان و تحصیلکرده‌ی دانشگاه سن پترزبورگ بود. او چندین کتاب از «شکسپیر»، «دیکنز»، «ویکتور هوگو» و «هاینه» از زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه کرده بود و همچنین کمدی‌های هزل و شعرهای مذهبی می‌نوشت. بعد از تولد جوزف، پدرش برای او شعری وطن‌پرستانه به عنوان زمزمه‌ای برای غسل تعمید سرود:

پسر عزیزم، با خودت زمزمه کن / تویی سرزمینی، بی‌عشقی

بدون کشور، بدون مردم / هنگامی که لهستان، مادر تو در گور آرمیده است

«جوزف کنراد» بیست سال اول نویسنده‌ی اش با قرض و بدهی دست و پنجه نرم می‌کرد. حق التالیف او برای پرداخت هزینه‌هایش ناکافی بود. در تابستان ۱۹۱۴، او قادر شد اولین سفر طولانی‌اش را آغاز کند. همسر و دو پسر خود را به لهستان برد. وقوع اولین جنگ جهانی در «کراکوف» گریبان آنها را گرفت. آنها دو ماه را در شهر گذراندند و سپس به کوهستان «تاترا» در جنوب رفتند. در حالی که او در «کراکوف»، تعدادی نویسنده‌ی لهستانی، هنرمند و روشنفکر را ملاقات کرده بود. این آخرین دیدار او با سرزمین مادری‌اش بود. یاد بستگان و دوستان، شوق عمیق «کنراد» را به سنت و فرهنگ لهستان تصدیق می‌کرد. در مراسم ختم او در ۳ آگوست سال ۱۹۲۴، تنها نماینده‌ی دولتی حاضر، نخست‌وزیر لهستان بود. از نامه‌هایی که پدرش، آپولو به دوستانش می‌فرستاد، می‌دانیم که «کنراد» جوان، حریص خواندن بود. او به خوبی با ادبیات کلاسیک لهستان آشنایی داشت، کتاب خواندن را با شاعر بی‌ظنیر قرن شانزدهمی، «کوجانوفسکی» آغاز کرد. خیلی محتمل است که شعر، نمایشنامه و داستان‌های نویسنده‌های رمانتیک لهستانی، به بدنه‌ی اصلی نوشته‌هایش به زبان مادری شکل بخشیده باشد. او در سال ۱۹۱۴ به نفوذ اخلاق و سیاست در رمانتیکسیسم لهستانی اشاره کرد و بدین شکل ایده‌ی مسئولیت ملی و اخلاقی در این ادبیات نفوذ کرد. وفاداری و خیانت، عزت و ریاکاری، وظیفه و فرار؛ موضوعات تکرار شونده‌ی این ادبیات بودند. یک شاعر به عنوان یک فرد استثنایی، و وظایف خاصی نسبت به ملت خود بردوش دارد. گذشتن از «خودبیگانگی به تعهد» به عنوان یک موضوع مکرر در داستان‌های «کنراد» و موضوعی ثابت در ادبیات عاشقانه‌ی لهستان شناخته شده است. در آن زمان، یکی از محبوب‌ترین انواع ادبی افسانه بود. داستانی که توسط یک راوی، که اغلب یکی از پیشکسوتان بود، گفته می‌شد و یافتن ادامه‌ی این فرم در آثار «کنراد» آسان است.

## طوفان دریا:

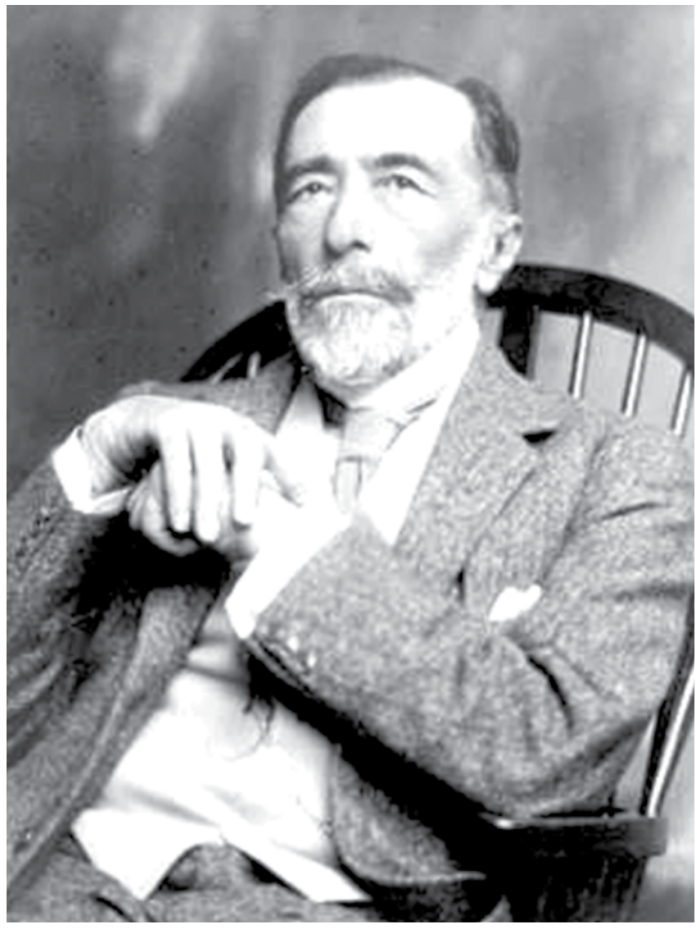


در مقدمه‌ی این رمان کوتاه می‌خوانیم: نثر «کنراد» بر عکس رمان‌های بازاری و حادثه‌ای، درونگراست. انبوهی از صفات و قیدها و افعال که کنراد به دور از هر گونه تصنع و به شکلی کاملاً طبیعی و در وصف طوفانی به کار می‌گیرد، تامل برانگیز است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: بلکه ناخدا نزدیک ظهر مُرد. بعد از ظهر، اوراقشو گشتم. دم غروب بر اش دعا خوندم و مراسم بر گزار کردم. بعد نوک کشتی رو به سمت شمال هدایت کردم. اونو آورد اینجا. من -آوردمش- اینجا. این کتاب در سال ۱۳۹۱ با ترجمه‌ی «سپهر سمنی» توسط انتشارات ققنوس منتشر شد.

## رهایی:

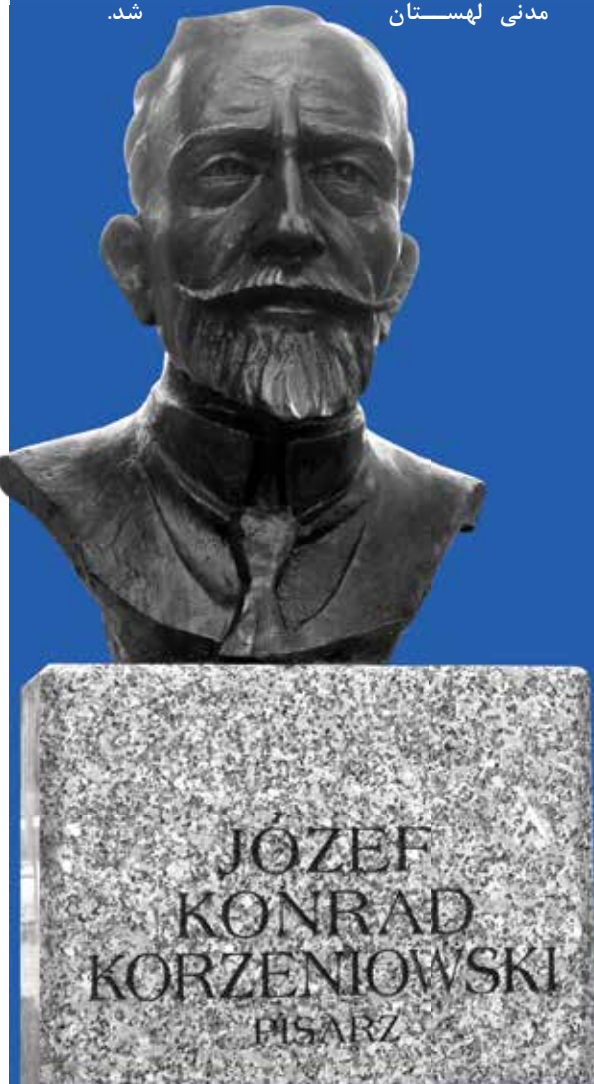


نسخه‌ی اصلی این رمان در سال ۱۹۲۰ منتشر شده بود. «کنراد» این رمان را در سال‌های ابتدایی فعالیت حرفه‌ای خود آغاز کرد، اما نگارش کتاب را در میانه‌ی راه رها کرد و تکمیل آن ۲۰ سال طول کشید. وی چهار سال بعد از انتشار این کتاب، درگذشت. در توضیح این کتاب آمده است: رهایی، داستان زیبایی است که رویدادهای تلخ و شیرین آن تأثیری شگرف بر قلب می‌گذارد و خاطره‌ی آن، ماه‌ها و سال‌ها پس از پایان متن، باقی می‌ماند و بنابراین برای دوستداران آثار کلاسیک، بهترین فرصت برای دسترسی به یکی از شاهکارهای ادبی جهان به دست آمده است. این کتاب در سال ۱۳۸۰ با ترجمه‌ی کیومرث پارسای توسط انتشارات «کلیه» منتشر شد.



مصاحبه، «کنراد» اعتراف کرد که پدرش برای او شعر طولانی «میکویچ» MICKIEWICZ را نه فقط یکبار بلکه بارها می‌خواند و همچنین او را مجبور می‌کرد تا آن را بلند بخواند. در حالی که او داستان‌های کوتاه و عاشقانه‌ی «میکویچ» را ترجیح می‌داد. او بیان کرد: «بعدها من «اسلواکی» SLOWACKI را خیلی بیشتر دوست داشتم، می‌دانید چرا؟ زیرا که او روح ادبیات لهستان است.» بعد از ۱۹۲۰، ارتباط «کنراد» با نویسندگان و خوانندگان لهستانی نزدیک‌تر شد و با تعداد زیادی از نویسندگان و مترجمان مکاتبه کرد. او خود کمدی «برونو

و ایناور» WINAWER را از لهستانی به انگلیسی ترجمه کرد. برجسته‌ترین نویسنده‌ی انگلیسی زمان، «استفان زروموسکی» ZEROMSKI، قدرت اخلاقی لیبرال‌ها و سوسیالیست‌های لهستانی، مقدمه‌ای به مجموعه آثار «کنراد» نوشت و او را «نویسنده و هموطن» نامید. و «کنراد» در جواب برای او نامه‌ای نوشت: «من اعتراف می‌کنم که نمی‌توانم حتی کلمه‌ای برای توصیف احساسات عمیق پیدا کنم هنگامی که این تمجید را از سوی کشورم به خصوص توسط شما، بزرگترین استاد ادبیات لهستان می‌خوانم.» در سال‌های بین ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰، «کنراد» یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان لهستان شد. که بیشتر آثارش توسط مردم و روشنفکران خوانده شده و به خصوص داستان‌های دریایی او محبوب و مورد بحث واقع شده بودند. او بخشی از محبوبیتش را در تارک‌ترین ساعات تاریخ معاصر لهستان، در طول جنگ جهانی دوم، هنگامی که کشور دوباره توسط همسایگان خود آلمان و شوروی مورد تاخت و تاز قرار گرفته بود، به دست آورد. «کنراد» و به خصوص «کنراد لرد جیم»، یکی از الگوهای اخلاقی برای اعضای جوان ارتش زیرزمینی و مقاومت مدنی لهستان شد.



## مرز سایه:



دستمایه‌ی این رمان کوتاه، تجربه‌ی خود نویسنده بوده است. گویا او دوره‌ای از زندگی‌اش را بر پهنه‌ی دریا گذرانده، ناگهان بدون هیچ دلیل مشخصی کار خود را رها می‌کند و بعد از مدتی دچار تشویش و نگرانی می‌شود. در همین اوضاع به شکلی ناگهانی به او پیشنهاد می‌شود که فرماندهی یک کشتی به نام «اوتگو» را بپذیرد و او این پیشنهاد و سوسه‌انگیز را می‌پذیرد، چون از این طریق می‌تواند در جوانی برای نخستین بار ناخدا «یکم» یک کشتی باشد. این کتاب در سال ۱۳۹۱ با ترجمه‌ی «سپهر سمنی» توسط انتشارات ققنوس منتشر شد.